

# خسوف عصمت جسک باجمی

صادق داوری دولت آبادی

سلسله

سال ۱۳۸۰

۱- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

[www.mohaddaseh.ir](http://www.mohaddaseh.ir)

[info@mohaddaseh.ir](mailto:info@mohaddaseh.ir)

[mohaddaseh@gmail.com](mailto:mohaddaseh@gmail.com)

● پیشگفتار

● مقدمه

● صدف

● فضائل حضرت فاطمه‌ی زهرا

○ نور تبسم حضرت علی و حضرت فاطمه

○ مصحف حضرت فاطمه

○ خداوند نیز از فاطمه پشتیبانی می‌کند

○ پرتو افشانی حضرت زهرا

○ زمین مهریه‌ی حضرت زهرا

○ عظمت خادمه‌ی حضرت زهرا نزد خداوند تعالی

○ استشفاء امام محمد باقر به ذکر یا فاطمه

○ عبادت حضرت زهرا

○ طریقه‌ی استقبال رسول خدا از فاطمه

○ ضیاء نور حضرت زهرا

● مصیبت نامه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا

● صلوات بر حضرت فاطمه زهرا

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن گفتن از شخصیت نورانی و والای بانوی بزرگواری که عملش نصب‌العین ائمه‌ی طاهرین (علیهم‌السلام) و اسوه‌ی حجج‌الهی است، بسیار مشکل بلکه از حد توان هر ناطق و سخنور ماهری خارج است.

بانوئی که راحت روح نبی و رکن رکن امیرالمؤمنین بوده و علت غائی و هدف خلقت هستی و ماسوی الله، حتی رسول اکرم و امیرالمؤمنین می‌باشد در آنجا که خداوند متعال (صریحا) می‌فرماید:

یا احمد لولاک لما خلقت الآفلاک و لو لا علی لما خلقتک ولو لا فاطمةً لما خلقتکما. [۱]

خلقت نبی اکرم و علی بن ابیطالب (علیهم‌السلام) نیز به گل روی این الگوی عالمین است. کیست که بتواند به آسمان بلند و وسیع

[ صفحه ۲ ]

فضائل آن بی‌بی، پرواز و به قله‌ی رفیع عظمتش صعود نماید؟

فقط نبی اکرم و امیرالمؤمنین و یازده فرزند پاکش، زهرا شناسند و ایشانند که باید مداح فضائل و مناقب و معرف شخصیت ملکوتی آن ناموس خدا و شفیعه‌ی دو سرا یعنی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها‌السلام) باشند تا بتوانند ذره‌ای از نم اقیانوس موج و بیکران عظمتش را به لب تشنگان معرفتش رسانیده و گمگشتگان وادی محبتش را به سر منزل عشق هدایت نمایند.

اما به مضمون:

آب دریا را اگر نتوان کشید

پس به قدر تشنگی باید چشید

هر کسی باید از ضیاء نور آن معشوقه‌ی خدا، بقدر ظرفیت و معرفتش استفاده نموده و مستفیض شود و در این راستا صدیق مکرم و فاضل ارجمند جناب آقای صادق داوری - وفقه البله لمراضیه - از این دریای بی‌پایان نمی‌گرفته و به عاشقان معرفتش رسانیده‌اند، که امید است خداوند منان این اظهار ارادت را از ایشان قبول نموده و توفیق شناخت و معرفتش را به همگان عطا فرماید.

مجمع مطالعات و پژوهشهای علمی تحقیقی اهل البیت (علیهم‌السلام)

هیئت محبان اهل بیت (علیهم‌السلام) - دولت آباد - ۳۱ / ۴ / ۱۳۷۸

[ صفحه ۳ ]

[۱] ملتقی البحرین، ص ۱۴.

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلي على فاطمة و أبيها و بعلمها و بنيتها و السر المستودع فيها بعدد ما احاط به علمك.

چگونه می توان در رسای جلوه‌ی نور جز با توسل از منبع نور گفت؟ و چگونه بشر خاکی و آلوده‌ی به معصیت جز

به یاری معصوم و تمنای از انوار کلمات مقام ولایت می تواند روزنه‌ای به سوی شناخت حضرت صدیقه‌ی کبری

(علیهاالسلام) باز کند؟

فاطمه‌ای که از نور عظمت الهی خلق شده و آنچنان آسمان و زمین به نور وجودش روشنائی یافته که ملائکه به

سجده افتاده‌اند و درباره‌ی عظمت آن نور از حضرت حق سؤال نمودند!!

زهراهی زهرائی که خداوند پیش از خلقت آدم ابوالبشر، ایشان را از نور خویش آفرید.

[ صفحه ۴ ]

حوراء انسیه‌ای که خداوند ولایتش را بر ملائکه‌ی و سائر مخلوقات عرضه داشت. قبول کنندگانش از مؤمنین و

منکرین ایشان، از کافرین بحساب آمدند.

طاهره و مطهره‌ای که رسول خدا هر زمان مشتاق بوی بهشت می‌شد او را می‌بوئید و می‌فرمود: هرگاه شوق بهشت

در دلم پیدا می‌شود گلوی فاطمه را می‌بوسم.

إذا شتقت إلى الجنة قبلت نحر فاطمة. [۱]

مظلومه‌ای که مظهر جمال و جلال و جلوه‌ی نور الهی است که غضب او غضب پروردگار، و رضایت او رضایت

پروردگار است. چنانچه پیامبر (صلی الله علیه و سلم) به حضرت زهرا (علیهاالسلام) فرمود:

ان الله يغضب لغضبک و یرضی لرضاک. [۲]

صدیقه‌ای که خداوند زمین را مهریه‌ی وی قرار داد. زیرا رسول خدا به حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: خداوند فاطمه (علیها‌السلام) را به ازدواج تو در آورد و زمین را مهریه ایشان قرار داد و هر کس با بغض و کینه‌ی تو بر روی آن راه رود، به حرام به آن قدم گذاشته است. [۳]

[ صفحه ۵ ]

با این وجود با یاد و نام شهیده‌ی ولایت حضرت زهرا (علیها‌السلام) با قلمی بی‌تاب و لرزان، با استعانت از روح آن مطهره، قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب ایشان را به دوستداران آن حضرت تقدیم می‌داریم. هر چند در توان و قدرت هیچ کس نیست که بتواند فضائل آن حضرت را شماره کند.

فضل زهرا را بشر کی می‌توان احصاء کند

قطره را قدرت نباشد وصف از دریا کند

گر قلم گردد همه اشجار و دریاها مداد

ور خدا ارض و سماء را دفتری بیضا کند

در نوشتن، جن و انس و حاملین عرش و فرش

عاجزند الا که حق توصیف از زهرا کند [۴]

والسلام

صادق داوری دولت آبادی

۱/ جمادی الاولی / ۱۴۲۰ هجری قمری

[ صفحه ۶ ]

[۱] فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۲۷.

[۲] مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۱۵۳.

[۳] مصباح الانوار، ص ۲۲۹.

[۴] اثر طبع مرحوم علامه میرجهانی.

صدق

صدف بشکست و در غلطید بر خاک

قمر بگرفت و شد تاریک افلاک

سبو بشکست در خمخانه‌ی عشق

شرر افتاد اندر لانه‌ی عشق

مگر مسمار هم اهل ادب بود

که جای سجده‌ی او بیت رب بود؟

پیمبر ناله زد، حیدر خروشید

خدا بر کعبه رخت تیره پوشید

چرا شد خیره بر او چشم خورشید؟

گمانم دید، خون از سینه جوشید

فسرده لاله، یاس و نسترن شد

گلستان ناگهان بیت‌ال‌حزن شد



نماز عشق را او مقتدا بود

نیاز عشق را مشکل گشا بود

پیمبر بارها این جمله را گفت

ز لعل جانفزایش این درر سفت

گهرهائی که زهرا ریزد از چشم

خدا را می‌نشاند آتش خشم

[ صفحه ۷ ]

تو ای زهرا مرا عین الیقینی

تو نوری و امیدی، اصل دینی

دفاع از عشق بنمودی چه سرسخت

تو شمعی کز پی پروانه می‌رفت

نبی مصطفی را نور عینی

حسن داری و کلثوم و حسینی

روا باشد که گویم بی قرینی

چه گویم من؟ که زینب آفرینی

نم چشمان تو ماء المعین است

ولای تو مرا حبل المتین است

پیمبر تا به عرش حی معبود

شب اسراء به نیروی تو پیمود

به عالم مهر، تا، تابنده باشد

غبار فضهات را بنده باشد

دمی که نور احمد گشت موجود

خدا محو جمال فاطمه بود [۱]

[۱] اثر طبع استاد گرامی حجة الاسلام و المسلمین سید حسن حسینی (دام ظلّه).

## فضائل حضرت فاطمه‌ی زهرا

### نور تبسم حضرت علی و حضرت فاطمه

از ابن عباس روایت شده است که:

موقعی که اهل بهشت متنعم به نعمتهای الهی هستند ناگهان نوری همانند نور خورشید می بینند که بهشت را روشن نمود. پس می گویند: خداوندا! مگر در قرآن نفرمودی که: «لا یرون فیها شمسا» [۱] «نمی بینند در بهشت خورشیدی» - در اینحال خداوند متعال جبرائیل را می فرستد که به اهل بهشت بگو: این نور، نور خورشید نبود بلکه نوری بود که در اثر تبسم حضرت

علی و حضرت فاطمه (علیهما السلام) بوجود آمد و بهشت را روشن نمود. [۲].

[۱] انسان، ۱۳.

[۲] البرهان، ج ۴، ص ۴۱۲ / بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۴۱ / مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۹.

### مصحف حضرت فاطمه

ابن فروخ قمی راجع به مصحف حضرت فاطمه ی زهرا (علیها السلام) روایت کرده است که:

همانا حضرت زهرا (علیها السلام) بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هفتاد و پنج روز زندگانی نمود در حالی

که در فراق پدر بزرگوارش بسیار محزون و مصیبت زده بود. در این مدت جبرائیل به نزد ایشان آمده و به آن

حضرت تسلیت می نمود و ایشان را دلداری می داد و آن حضرت را از اتفاقاتی که بعدا رخ می داد آگاه می نمود و

امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنها را می نوشت که تبدیل به مصحف فاطمه (علیها السلام) شد. [۱]

و در روایت دیگری از حضرت صادق (علیه السلام) آمده است که:

[ صفحه ۱۱ ]

مصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) سه برابر قرآن است. [۲]

[۱] بصائر الدرجات، ص ۱۵۳، ح ۶.

[۲] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۹، ذیل ح ۱ / ینابیع المعاجز، ص ۱۲۹.

### خداوند نیز از فاطمه پشتیبانی می کند

در مناقب ابن شهر آشوب روایت شده است که: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دستور دادند که دست دزدی قطع شود، آن دزد گفت: یا رسول الله! من با این دست در راه اسلام خدمت نموده‌ام، آن وقت شما دستور می دهید که قطع گردد؟!

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

اگرچه دخترم فاطمه (علیها السلام) بود، این دستور را می دادم!!

حضرت فاطمه (علیها السلام) این کلام پدر را شنیده و محزون شد، در اینحال جبرائیل نازل شد و این آیه را تلاوت نمود: «لئن اشرکت لیحبطن عملک» [۱] یعنی «اگر شرک آوری هر آینه عملت نابود خواهد شد». در این هنگام بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محزون گردید پس باز آیه‌ای نازل شد که «لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا» [۲] یعنی «اگر می بود در آندو خدایانی غیر خداوند

[ صفحه ۱۲ ]

هر آینه آندو تباه شده بودند» پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تعجب نمود در این هنگام بود که جبرائیل

نازل شد و عرضه داشت:

حضرت فاطمه (علیها السلام) از گفتار شما محزون و ناراحت گردید پس این آیات بخاطر پشتیبانی از او نازل شد

تا راضی گردد. [۳].

[۱] زمر، ۶۵.

[۲] انبیاء، ۲۲.

[۳] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۴ / بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۳، ح ۴۳ / نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۷، ح ۱۰۲.

## پرتو افشانی حضرت زهرا

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

حضرت زهرا (علیها السلام) بدین جهت «زهرا» نامیده شد چرا که روزی سه مرتبه بوسیله‌ی نور برای

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرتو افشانی می‌کرد. [۱]

[۱] علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۰ ح ۲.

## زمین مهریهی حضرت زهرا

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: یا علی!

بدرستی که خداوند

[صفحه ۱۳]

عزوجل، فاطمه (علیها السلام) را به ازدواج تو درآورد و زمین را مهریه اش قرار داد، پس هر کسی که بر روی آن راه

برود در حالیکه دشمن تو باشد رفت و آمدش حرام است. [۱]

[۱] مصباح الانوار، ص ۲۲۹ / کشف الغمه، ج ۱ ص ۴۷۲.

## عظمت خادمهی حضرت زهرا نزد خداوند تعالی

از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده است که ام ایمن گفت:

در راه مکه (در جحفه) عطش شدیدی بر من غالب شد، بطوریکه نزدیک بود هلاک گردم. در این حال سر بسوی

آسمان بالا برده و گفتم: خداوندا! آیا مرا تشنه می گذاری در حالیکه من خدمتگزار دختر پیغمبرت بوده ام؟!

ام ایمن می گوید: در این حال بود که ظرفی از آب بهشتی از آسمان برایم فرود آمده پس نوشیدم و به حق بانویم

حضرت زهرا (علیها السلام)، تا هفت سال نه گرسنه شدم و نه تشنه گردیدم. [۱]

[۱] الثاقب فی المناقب، ص ۱۹۶، ح ۱ / بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۶، ح ۴۵.

### استشفاء امام محمد باقر به ذکر یا فاطمه

مرحوم علامه‌ی مجلسی در بحار آورده است که:

هر موقع امام محمد باقر (علیه‌السلام) تبار می‌گشت آب سرد استفاده می‌نمود و با صدای بلند مادرش حضرت

زهرا (علیها‌السلام) را صدا می‌زد و می‌گفت: «یا فاطمه». [۱].

[۱] بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۰۲، ذیل ح ۳۱ / اصول کافی، ج ۸، ص ۱۰۹، ذیل ح ۸۷

### عبادت حضرت زهرا

از حسن بصری روایت شده است که می‌گفت:



عبادت کننده تر از فاطمه (علیهاالسلام) در این امت نبود، بطوری که آنقدر در محراب عبادت می ایستاد که

قدمهای حضرتش متورم می شد. [۱].

[ صفحه ۱۵ ]

[۱] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۱ / مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۸۰.

### طریقه‌ی استقبال رسول خدا از فاطمه

مرحوم شیخ طوسی به اسناد از عایشه روایت کرده است که گفت:

هیچ کس از مردم را ندیدم که طرز کلام و گفتارش همانند گفتار رسول خدا باشد مگر کلام [حضرت] فاطمه. و هر

زمانی که بر رسول خدا وارد می شد آن حضرت دستان فاطمه را می بوسید و او را بجای خویش می نشاند و به او

مرحبا می گفت و نیز هر موقع رسول خدا بر فاطمه وارد می شد، فاطمه هم به احترام پدر از جا برمی خاست و دست

پدر را می بوسید و به او خوش آمد می گفت. [۱].

[۱] امالی شیخ طوسی، ص ۴۰۰، ج ۴۰، مجلس ۱۴.

## ضیاء نور حضرت زهرا

مرحوم شیخ صدوق از حضرت رضا (علیه السلام) در یک حدیث طولانی روایت کرده است:

هنگامی که هلال ماه مبارک رمضان ظاهر می شد نور

[ صفحه ۱۶ ]

حضرت زهرا (علیها السلام) بر نور ماه غلبه می کرد بطوری که دیگر هلال ماه دیده نمی شد پس زمانی که نور

حضرت فاطمه (علیها السلام) مخفی می شد هلال ماه نمایان می گشت. [۱]

[ صفحه ۱۸ ]

[۱] فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۹۹، ح ۸۴ / بحار الانوار، ۴۳، ص ۵۶، ح ۴۹.

## مصیبت نامه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۸- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

[www.mohaddaseh.ir](http://www.mohaddaseh.ir)

[info@mohaddaseh.ir](mailto:info@mohaddaseh.ir)

[mohaddaseh@gmail.com](mailto:mohaddaseh@gmail.com)

با یاد و نام شهیده‌ی ولایت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیهاالسلام) قلم بدست گرفته و بر مرکبی از خون زده تا قطره‌ای از دریای بی‌کران فضائل و مناقب و نیز مصائب آن مادر مغضوبه و پهلو شکسته را بر حاشیه‌ی صفحه‌ای از برگ شقایق روزگار رقم زنیم، باشد که انشاء الله مقبول درگاه بی‌مثالش قرار گیرد.

در توان و قدرت هیچ کس نیست که بتواند فضائل حضرت زهرا (علیهاالسلام) را شماره کند، عقول بشر هرگز نتواند مقام بتول عذرا، را درک کند، حقیقت زهرا (علیهاالسلام) معمای بی‌است که جز خدا کسی حل این معما نمی‌تواند بکند و کسی جز پدر و شوهرش، ایشان را معرفی نماید.

در این نوشتار، سخن از بانویی بزرگوار، شب زنده‌دار، شاخسار پیامبر و همسر جانشین پیغمبر، نور آسمانی و سپیدروی نورانی، راز نهان خدائی، نگهدارنده‌ی امین وحی الهی، گوهر تابناک عزت و بزرگواری، چراغدان نور الهی، راز

[ صفحه ۱۹ ]

بزرگی و بزرگواری، دارنده‌ی جایگاه در عالم آسمان و بزرگ بانوی زنان و دلسوز و مهربان و شفاعت کننده‌ی گناهکاران و مادر نیکوکاران و موجب زیبائی پدران است. و نیز سخن از ستم‌دیده و حقش ربوده و غصب شده و سخن از پهلو شکسته و سینه شکسته و فرزند کشته شده، و در یک کلام سخن از شهیده است و او کسی نیست جز بی‌بی دو عالم محبوبه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه زهرا (علیهاالسلام). [۱].

فاطمه (علیهاالسلام) کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حق او فرمود:

«ان الله عزوجل لیغضب فاطمه و یرضی لرضاها» [۲].

«همانا خداوند عزوجل بخاطر خشم فاطمه به غضب می آید و به خاطر خشنودیش راضی می شود».

فاطمه (علیهاالسلام) کسی است که، خداوند هیچ یک از پیامبران را مبعوث نکرد مگر اینکه به فضیلت و محبت

فاطمه (علیهاالسلام) اقرار کنند:

«و هی الصدیقة الكبرى و علی معرفتها دارت القرون

[ صفحه ۲۰ ]

الاولی». [۳].

فاطمه (علیهاالسلام) محور پنج تن آل عباست. [۴] او کسی است که پدر بزرگوارش در حقش فرمود:

«فداها أبوها». (و در روایت دیگر) بأبی أنت و أمی «پدر و مادرم فدای تو باد». [۵].

او لیلة القدر است و تو چه می دانی که فاطمه (علیهاالسلام) کیست؟ (وما ادراك ما لیلة القدر)؟ [۶].

فاطمه (علیهاالسلام) همانطور که خود می فرماید، دختر سدره المنتهی است، خطبه خواننده اش در آسمان راحیل،

و خدمتگزارش گروههای فرشتگان یکی بعد از دیگری است. [۷].

[ صفحه ۲۱ ]

فاطمه سر الله است. ذات فاطمه (علیهاالسلام) آئینه ی صفات خداست، و نیز ذات خداوند ثناخوان فاطمه

(علیهاالسلام) است.

نام فاطمه (علیهاالسلام) از نام حق مشتق شده، او آئینه‌ی طلعت خدائی و گنجینه‌ی علم مصطفائی است، او حجت

کبرای الهی و آئینه‌ی طلعت شاهی است، او خورشید جلال ذوالجلال و مرآت جمال لایزال است.

فاطمه (علیهاالسلام) مصباح رسالت و ولایت است. او علت ایجاد ماسواست و کون و مکان از احسان او زنده است.

هستی هر هست به او شد پدید، او واسطه‌ی فیض دو جهان است و نیز واسطه‌ی وجوب و امکان (می‌باشد) و

اوست انگیزه‌ی خلق محمد مصطفی و پیدایش علی مرتضی. [۸].

فاطمه (علیهاالسلام) مظهر اسرار خداوند است و همان کسی است که باطن سر پنهان بر او آشکار است.

و مظهر اسرار الاله التي لها

علی باطن السر الخفی ظهور

او کسی است که حوریهای زیبا به زیارت او آمده و نسبت به

[ صفحه ۲۲ ]

حضرتش غبطه خورده و شادمانند.

و من كان الحور الحسنان تزورها

لهن لذيها غبطة و سرور [۹].

او فانوس نور خداوند - عزوجل - و زیتونی است که برکاتش همگان را فرا گرفته.

مشكاة نور الله جل جلاله

زیتونۀ عم الوری برکاتها

او قطب دائره‌ی هستی و نقطه‌ای است که هنگامی که نازل شد فراوانیش فزونی یافت.

هی قطب دائره‌ الوجود و نقطه

لما تنزلت اکثرت کثراتها

او احمد دوم و احمد دوران خویش است، او در میدان یکتاپرستی اصل و اساس است.

هی احمد الثانی و احمد عصرها

هی عنصر التوحید فی عرصاتها [۱۰].

او پاره‌ی تن حضرت مصطفی (صلی الله علیه و آله) [۱۱] و دریافت کننده‌ی

خردمند وحی است و خداوند او، بلسان پدر بزرگوارش بر او وحی فرستاده است.

بضعة المصطفى عقيلة وحی

كأبيها الهها أوحاها

فاطمه (علیها السلام) برگزیده شده‌ی خداوند است چرا که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: در آن شب که مرا به آسمان بالا بردند بر در بهشت دیدم که نوشته شده است:

«لا اله الا الله محمد رسول الله علی حبيب الله و الحسن و الحسين صفوة الله، فاطمة خيرة الله، علی باغضهم لعنة الله». [۱۲].

«جز الله خدائی نیست، محمد فرستاده‌ی خداست، علی حبيب خداوند است، حسن و حسین برگزیده‌ی خداوند می‌باشند، فاطمه انتخاب شده‌ی خداوند است، بر کینه‌توز و دشمن آنان لعنت و نفرین خداوند است.»

او کسی است که در ولایت کلیه‌ی الهیه با پدر بزرگوارش و شوهر عالیمقدار خود شرکت داشته و همراه و همقدم بود، و هیچگاه ترک اولائی از او سر نزده و از درجات رضا و خوشنودی مولای خود، به هیچوجه نکاسته و غریزه‌ی

خود را بزبور لقب «عصمة اللهی» آراسته و پیراسته است، و در اخبار و آثار به این معنی تنصیب و تصریح شده،

چنانچه شیخ صدوق در کتاب امالی مسند از ابن عباس روایت کرده که گفته است:

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بود در حالی که علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) در

نزد او بودند، پس فرمود: خدایا تو می دانی که اینها اهل بیت من هستند و گرامی ترین مردمان می باشند و دوست

بدار کسی که ایشان را دوست بدارد و خشمگین باش نسبت به کسی که بر ایشان خشمگین است و دوستی کن

با آنهایی که با ایشان دوستی کنند و دشمنی کن با آنهایی که با ایشان دشمنی کنند و ایشان را از پلیدیها و

هرگونه رجسی طاهر و پاکیزه گردان و از هر مصیبت و گناه و ترک اولائی معصوم قرار ده و ایشان را به جبرئیل یا

به

[ صفحه ۲۵ ]

روح القدس که از تو است مدد کن. [۱۳].

اما هر آنچه از فضائل بی بی فاطمه (علیها السلام) گفته شود تمامی نخواهد یافت و بقول شاعر:

أترید ان تحصی فضائل فاطم

نقد الحساب و فضلها لم ینفد

«شمارش اوصاف فاطمه زهرا (علیها السلام) تمام نخواهد شد، اما اعداد به اتمام خواهد رسید». ولی بدانیم که:



آب دریا را اگر نتوان کشید

پس بقدر تشنگی باید چشید

هنگامی که صفحات تاریخ (در باب فضائل و مناقب فاطمه علیهاالسلام) را ورق زده و مطالعه نمودم، با خود حدیث نفس نمودم که چرا (با این همه فضائل و مناقب) عده‌ای خود را به نفهمی زدند و چنان جنایت و جسارتی نمودند. مگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مکرر فرموده‌اند:

[ صفحه ۲۶ ]

«فاطمه بضعة منی من آذاها فقد آذانی...» [۱۴].

مگر فاطمه (علیهاالسلام) محور اهل کساء نبود؟

مگر او دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نبود؟

مگر فاطمه‌ی مظلومه (علیهاالسلام) همسر آن مظلوم تاریخ نبود؟

مگر فاطمه (علیهاالسلام)...

پس ای کوردلان! چرا چنین ظلم و جنایتی نمودید؟

چرا دیگر هیزم به در خانه‌اش بردید و بیت وحی الهی را آتش زدید؟!

خانه‌ای که جبرئیل امین (علیه‌السلام) بدون اجازه وارد نمی‌شد، خانه‌ای که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هر صبح

و شام بر اهل آن سلام می‌نمود و می‌فرمود:

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۱۵]

چرا دیگر لگد به...!!!

و چرا با تازیانه بر...!!! و محسن (موؤده) عزیزش را به چه جرم و گناهی شهید نمودید؟! [۱۶].

[ صفحه ۲۷ ]

ای نامردمان روزگار!

مگر زهرای مرضیه (علیها‌السلام) چه عملی انجام داده بودند که این چنین وحشیانه عمل نمودید؟

بخدا قسم، وحشیان عالم هر چقدر هم وحشی باشند این چنین جسارت نمی‌کنند.

اف بر شما و پیروانتان! اف بر شما!

مگر فاطمه (علیها‌السلام) چه کرده بود که (بنابر نقل تاریخ) با چهار هزار نامرد به در خانه‌ی حجت خدا هجوم

آوردید تا علی (علیه‌السلام) را برای بیعت گرفتن به مسجد برید و فاطمه (علیها‌السلام) در عقب در، محکم خود

را چسبانیده بود که داخل نشوید، اما در این حال عمر لگدی بر در زد و در از جای کنده شد و بر سینه‌ی فاطمه

(علیها‌السلام) افتاد و محسن او (علیه‌السلام) سقط شد، و وقتی که جامه‌ی علی (علیه‌السلام) را می‌کشیدید که او

را به مسجد ببرید فاطمه (علیها‌السلام) با اینکه به شدت احساس درد می‌داشت خود را به علی (علیه‌السلام)

رسانیده بود و طرف جامه را نگاه می‌داشت و به طرف خود

می کشید بنحوی که شما جماعت بر می گشتید و به روی زمین می ریختید و به زانوی در می آمدید و پیوسته جامه‌ی حضرت را می کشیدید و فاطمه (علیهاالسلام) هم می کشید تا اینکه عمر شمشیر خالد بن ولید را گرفت و با غلاف آن بر شانه‌ی فاطمه (علیهاالسلام) می زد تا آنکه مجروح شد، سه مرتبه این عمل را انجام داد اما نتوانست جامه را از دست فاطمه (علیهاالسلام) بگیرد تا اینکه جامه پاره پاره شد، یکپاره‌ی آن در دست فاطمه (علیهاالسلام) ماند و پاره‌های دیگر آن در دست‌های شما جماعت ماند و آن جراحت بر دل بی‌بی زهرا (علیهاالسلام) بود تا وقتی که شهادت یافت. [۱۷].

ولی ای نامردمان روزگارا! بدانید که (انشاء الله) روزی خواهد آمد که فرزند عزیزش مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) انتقام مادر پهلو شکسته‌اش را از شما جسوران تاریخ بگیرد، موقعی که آن رمز بقاء هستی و آن خورشید لایزال جهان هستی، سر از پرده‌ی غیبت درآورده و طلوع نماید بعد از اینکه در مکه معظمه سیصد و سیزده نفر از یارانش با او بیعت می کنند و به مدینه‌ی منوره مشرف می شوند، سپس آندو نفر را از قبر بیرون می آورند،

با آنان صحبت کرده و آنها جواب می دهند، یاوه گویان به شک و تردید می افتند. بعد آنان را با همان هیزمی که برای سوزاندن حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم‌السلام) جمع کرده بودند می سوزانند... [۱۸].

و گویا زبان حالش در این هنگام چنین باشد: الا الی اهل عالم بدانید:

مادر من حبیبیه‌ی داور است

او ز همه خلق خدا برتر است

مادر من نور زمین و سما است

مادر من فقط کنیز خداست

مادر من سرور زنها بود

مادر من ام‌ابیه‌ها بود

مادر من مادر هر شیعه‌ایست

بدون حب او کسی شیعه نیست

نور خدا ز مادرم ماندنی است

مادر من یاس کبود علی (علیه‌السلام) است

قامت مادرم چو عرش خداست

بهشت حق ز روی او با صفاست

[ صفحه ۳۰ ]

لنگ کمیت همه روز جزاست

بغیر مادرم که او مقتدا است

مادر من بوی خوش احمدی است

مادر من قوت قلب علی است

مادر من بعد پدر پیر شد

از همهی خلق جهان سیر شد

بعد نبی دشمن دین پا گرفت

تقاص خود ز مادر ما گرفت

کس نشنیده مادری را زنند

شوهر او به پیش چشمش برند

گوش کنید حقیقت دیگری

روضه‌ی سخت قربت مادری

او پی حق فدکش رفته بود

و ای خدا چگونه برگشته بود

عدوی بی حیا شرر باره کرد

به ضربه‌ای دو گوش او پاره کرد

[ صفحه ۳۱ ]

چو خون ز گوش مادرم می چکید

حسن پی یاری او می دوید

حل نشده برایم این مسئله

چرا کتک زد به سر حامله

شما جسوران تاریخ، چنان جسارتی نمودید که تاریخ سراغ ندارد. شما نه خدا را شناختید نه ولی خدا را، چون اگر می دانستید که ولی خدا کیست و اگر می دانستید که خشم خدا در غضب زهرا (علیهاالسلام) نهفته شده و محبت خالق هستی در عشق به صدیقه‌ی طاهره (علیهاالسلام) خلاصه گشته، چنین جسارتی نمی کردید. و شاید هم می دانستید ولی از روی لجاجت و عناد و تعصب مرتکب چنین ظلم و جسارتی شدید. لعن خداوند بر شما باد! اما تا کی شما کوردلان و خشک مغزان متعصب، حماقت را سرلوحه و پرچم پر افتخار خود قرار داده و عده‌ای یا به تعصب و یا به تقلید کورکورانه از روش و منش شما ظالمان روزگار حمایت می کنند؟ کسانی که همچون شما فضائل

و

[ صفحه ۳۲ ]

مناقب بی بی فاطمه (علیهاالسلام) را می دانند ولی به تقلید کورکورانه از شما آب بر آسیابتان ریخته و سنگ آنرا به حرکت درمی آورند و دفاع از عمل ناهنجار و زشت شما می کنند، اف بر شما و بر پیروانتان!

خلق را تقلیدشان بر باد داد

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

اما شما اندکی عاقلانه و بدور از تعصب اندیشه کنید و واقعا احقاق حق نموده و ببینید که حق از آن کیست؟ شما اگر می گوئید کتب شیعه را قبول نداریم مانعی نیست، کتب خود را بنگرید و قضاوت کنید، اما مردانه تصمیم بگیرید و نگذارید هوای تعصب و کوردلی جلوی دیدگان چشم و قلب شما را بگیرد.

اگر کسی بدور از هرگونه تعصب و جهالت اندیشه نماید و مطالعه‌ای در تاریخ اسلام و مظلومیت اهل بیت (علیهم‌السلام) نماید به این مطلب پی می‌برد که انسان مگر تا چه اندازه می‌تواند جسور و بی‌باک باشد که چنین مصائبی بوجود آورد که این نامردمان اینچنین نمودند و ظلم و جنایت را به بالاترین حد خود رساندند؟!

[ صفحه ۳۳ ]

زهر! مادر! ای مادر پهلوی شکسته

هنگامی که این همه فجایع شنیع را در تاریخ خواندم و از موثقین شنیدم که چه ظلم و ستمهایی به شما نمودند آنقدر ناله و نفرین بر این ظالمان خبیث نمودم و با خود گفتم ای کاش آنجا می‌بودم و آنموقعی که ناله‌ات عرش را به لرزه درآورد اظهار ادب می‌نمودم و جان ناقابل خود را در راه شما نثار می‌نمودم. آن موقعی که ضربات لگد بر پهلوی مبارکتان، و آن سیلی‌های محکم بر صورت نازنینتان، و آن ضربات تازیانه بر پیکرتان وارد می‌شد، ای کاش خود را حمایت می‌کردم.

مادر جان!



مگر شما چند ساله بودید؟ مگر چقدر سن و سال داشتید که بتوانید تحمل این همه مشقات و سختی‌ها را نمائید و

در زیر فشار ضربات آن ملاعین صبر و تحمل نمائید؟!

مادر جان!

مگر با تو چه کردند که بر سر قبر پدر این چنین ناله سر دادی:

ما ذا علی من شم تریه احمد

ان لا یشم مدی الزمان غوالیا

[ صفحه ۳۴ ]

صبت علی مصائب لو أنها

صبت علی الأيام صرن لیالیا [۱۹].

«آنکس که بوی خوش تربت (خاک قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می‌بوید، اگر در زمان طولانی، بوی خوش

دیگری نبوید چه خواهد شد؟

آنچنان باران غم و اندوه بر جانم ریخته و اگر بر روزهای روشن می‌ریخت آن روزها مانند شب تیره و تاریک

می‌گردید»:

بجانم ریخته چندان غم و درد مصیبتها

که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها

و دستان کبود شده را بطرف آسمان بلند نموده و ناله زدی:

یا الهی عجل وفاتی سریعا

قد تنغصت الحیوة یا مولائی [۲۰].

«ای خدای من مرگم را سریعا و هر چه زودتر برسان، که زندگی تیره کشته است ای مولای من».

ولی مادر! این را نیک می‌دانم که مادر هجده ساله چنین طاقتی نخواهد داشت، نه تنها من بلکه تاریخ هم این

چنین می‌داند و با خود حدیث نفس می‌کند که:

[ صفحه ۳۵ ]

بر حاشیه‌ی برگ شقایق بنویسید

گل طاقت بین در و دیوار ندارد

آری، گل و چه گویم خوشبوتر از گل. مردم دنیا خوشبوتر از گل سراغ ندارند و وقتی دلتنگ می‌شوند گل می‌بویند و از بوئیدن آن لذت می‌برند، و نیز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خوشبوتر و محبوبتر از گل سراغ ندارد و آن فاطمه (علیهاالسلام) است و هنگامی که مشتاق بوی بهشت می‌شد فاطمه (علیهاالسلام) را می‌بوئید:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله):

«فکلما اشتقت الی رائحة الجنة شمعت رائحة ابنتی فاطمة» [۲۱].

«هرگاه مشتاق بوی بهشت می‌شوم دخترم فاطمه را می‌بویم.»

اما آه و صد فغان از آن لحظه‌ای که:

عمر به خانه‌ی فاطمه (علیهاالسلام) حمله‌ور شده و فریاد می‌زد: خانه را با اهلش به آتش بکشید در حالی که کسی در خانه نبود مگر علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم‌السلام) [۲۲] و دستور داد هیزم حاضر کنید و خطاب به

اهل خانه گفت: قسم به آن کس که جان

[ صفحه ۳۶ ]

عمر در دست اوست! باید خارج شوید و الا خانه را با اهلش به آتش می‌کشم!

شخصی به عمر گفت: ای اباحفص! آیا می‌دانی فاطمه (علیهاالسلام) در این خانه است!؟

عمر گفت: اگر چه فاطمه (علیهاالسلام) در خانه باشد!! [۲۳].

و چنان آتشی افروختند که درب خانه و اهل آن را آتش زدند و چنان هجو آوردند که سینه‌ی زهرا (علیهاالسلام) را بشکستند! بله:

سینه‌ای کز معرفت گنجینه‌ی اسرار بود

کی سزاوار فشار آن در و دیوار بود

و خواستند علی (علیه‌السلام) را دست بسته به مسجد ببرند و آندو سبط پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چنان متحیرانه می‌نگریستند و اشک غم می‌ریختند که آیا مادر را از زیر دست و پا نجات دهند و یا به کمک بابا بروند.

[۲۴].

در این هنگام علی (علیه‌السلام) را به نزد ابوبکر بردند و به ایشان گفتند: باید با ابوبکر بیعت کنی. حضرت پاسخ

داد: اگر بیعت

[صفحه ۳۷]

نکنم چه می‌شود؟ گفتند: در آن صورت - سوگند به خداوندی که جز او خدائی نیست - گردنت را می‌زنیم!!

حضرت فرمود: بنابراین شما بنده‌ی خدا و برادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می‌کشید؟ عمر پاسخ داد:

بنده‌ی خدا که آری، و اما برادر رسول خدا، پس نه، ابوبکر ساکت بود و صحبتی نمی‌کرد، ابوبکر گفت: تا وقتی که

در مورد او دستوری صادر نمی‌کنی؟ ابوبکر گفت: تا وقتی که فاطمه (علیهاالسلام) در کنار اوست من او را به کاری وادار نمی‌کنم. حضرت علی (علیه‌السلام) خود را به قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسانیده و ناله و زاری می‌کرد و می‌گریست و می‌گفت:

«یابن أم ان القوم استضعفونی و کادوا ان یقتلوننی.» [۲۵].

«ای پسر مادرم مردم مرا ضعیف و ناتوان نموده و نزدیک است مرا بکشند.» [۲۶].

و مصیبت بارتر لحظه‌ای که:

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آن مظلوم تاریخ، شروع به تجهیز آن مظلومه‌ی تاریخ فاطمه‌ی زهرا (علیهاالسلام) نمود و او را غسل داد و او را در کفن خودش پوشانید و هنگامی که خواست بندهای کفن را

[ صفحه ۳۸ ]

ببندد صدا زد: یا زینب... و یا ام‌کلثوم... و یا سکینه... ای فضا، حسن جانم، حسین جان، بی‌ایید و از مادرتان بهره بگیرید، فراق و جدائی فرا رسیده و دیدار به بهشت و قیامت موکول شده، در اینحال حسین (علیه‌السلام) دوان دوان آمد و خود را بر روی جنازه‌ی مادر انداخت و صدا می‌زد: مادر...! مادر...! مادر من حسینتم مادر... برخیز مادر... مادر چه شده که دیگر با من حرف نمی‌زنی...؟ مادر باور ندارم که جوابم را نمی‌دهی...  
مادر هنگامی که جدمان محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) را دیدار کردی سلام ما را به او برسان و به آن حضرت بگو بعد از تو در دنیا یتیم ماندیم. بی‌بی زینب (علیهاالسلام) در اینحال ناله می‌زد و فریاد می‌نمود که مادر جان یتیمی برایم زود بود... مادر

در کودکی شد قسمت من خانه‌داری

هم خانه‌داری می‌کنم هم سوگواری

ولی مادر...

گریم برای نور دو عینت

هر شب دهم آب دست حسینت

مادر...

[ صفحه ۳۹ ]

دیشب نشستی گیسوانم شانه کردی

امشب در آغوش لحد کاشانه کردی

و سخت تر از این لحظه، زمانی بود که در این هنگام فاطمه ناله‌ای زد و دستهایش را کشیده و حسن و حسین

(علیهماالسلام) را به آرامی در آغوش گرفت و در این لحظه هاتفی صدا زد: ای ابوالحسن! حسن و حسین

(علیهماالسلام) را از مادرشان جدا کن به خدا سوگند فرشتگان آسمانها را به گریه درآوردند. [۲۷].

و مولا علی (علیه‌السلام) در این هنگام بچه‌ها را از سینه‌ی مادر جدا نمود و شروع به بستن بندهای کفن کرد، و

چنین ناله می‌نمود:

یا زهرا

فراقک اعظم الأشیاء عندی

و فقدک فاطم ادهی الثکول

«فراق و جدائی تو در نزد من بزرگترین چیزها است و فقدان تو ای فاطمه سنگین‌ترین مصیبتها است.»

سابکی حسره و انوح شجوا

علی خل مضی اسنی سبیل

«از سر حسرت می‌گیریم و از سر اندوه نوحه‌سرائی می‌نمایم بر

[ صفحه ۴۰ ]

دوستی که گام بر روشن‌ترین راه نهاده است.»

الا یا عین جودی و اسعدینی

فحزنی دائم ابکی خلیلی [۲۸].

«ای دیده اشک بریز و با من همراهی کن، من همیشگی است و بر دوستم می‌گیریم.»

و بر قبر فاطمه‌ی پهلو شکسته‌اش اینچنین مرثیه می‌خواند:

نفسی علی زفراتها محبوسه

یا لیتها خرجت مع الزفرات

لاخیر بعدک فی الحیوة و انما

أبکی مخافة ان تطول حیاتی [۲۹].

«جان من با ناله‌هایم در سینه‌ام حبس شده، ای کاش جانم با ناله‌هایم از سینه‌ام خارج می‌شد.»

«ای فاطمه پس از تو خیری در زندگی دنیا نیست، گریه می‌کنم از ترس اینکه زندگی من در دنیا طولانی شود.»



مادر جان! در پایان این نوشتار، سلامم را پذیرا باش، سلام بر قبر مخفیات، سلام بر قبر بی شمع و چراغ.  
مادر! گویند که مدفنت در مدینه است. در قبرستان بقیع، و یا در خانهات و یا بین قبر و منبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) [۳۰]، من نمی دانم ولی هرکجا که آرمیده‌ای قطرات اشکم را گلاوژه قبر مخفیات قرار ده.  
مادر! قبرت مخفی است، تاریخ شهادتت نیز مخفی و سرت هم نامعلوم.  
اما مادر! بدان امید دل می بندم که یوسف هرچه زودتر سر از پرده‌ی غیبت بدر آرد و به تمام مظلومیت خاتمه دهد، (انشاء الله).  
و ای امام زمان، ای یادگار زهرای مرضیه (علیهاالسلام) به محضر شما عرضه می دارم:

یا مدرک الثار البرار

شن علی حرب عداک المغار

«ای انتقام گیرنده بشتاب، بشتاب و بر دشمنانت شیخون زن و یورش بر».

یا صاحب العصر و رکن الهدی

قد هد، و الجور علی الدین جار

«ای صاحب الزمان آیا می‌پسندی سنگ شراب‌گیری بر روی ما بچرخد؟»

قد ذهب العدل و رکن الهدی

قد هد، و الجور علی الدین جار

«دادگری رفته، ستون هدایت ویران شده و ستم بر دیانت روا داشته شده است.»

أغث رعاک الله من ناصر

رعیة ضاقت علیها القفار

«خداوند تو را حفظ کند، به فریاد مردمی برسی و کسانی را یاری کنی که زمین بر آنها تنگ شده است.»

تنسی علی الدار هجوم العدی؟

مذ أضرمو الباب بجزل و نار

«آیا هجوم دشمنان را بر خانه از یاد برده‌ای، در آن هنگام که بر در خانه آتش و هیزم برافروختند».

و رض من فاطمة ضلعها

و حیدر یقاد قسرا چهار

[ صفحه ۴۳ ]

«پهلوی فاطمه را شکسته و حضرت علی را به زور و آشکارا کشاندند».

تعدوا و تدعوا خلف أعدئها

یا قوم خلوا عن علی الفخار

«پشت سر دشمنان می‌دوید و صدا می‌زد ای مردم دست از علی آبرومند بردارید».

قد أسقطوا جنینها و اعتری

من لطمه الخد العیون احمرار

«کودک رحمش را افکندند و از سیلی وارد شده بر صورتش چشمهایش سرخ شد».

فما سقوط الحمل؟ ما صدرها؟

ما لطمها؟ ما عصرها بالجدار؟

«سقط جنین؟ چه شد؟ سینه چه شد؟ سیلی چه شد؟ و فشار بر در و دیوار چه شد؟

ما وکزها بالسيف فی ضلعها؟

و ما انتشار قرطها و السوار؟

«نواختن با شمشیر در پهلویش؟ پرت شدن گوشواره و دستارش را چه شد؟

[ صفحه ۴۴ ]

ما ضربها بالسوط ما منعها؟

من البكاء و مالها من قرار؟

«تازیانه خوردنش چه شد و ممانعت از گریه و عدم آسایش و آرامش او چه شد؟»

ما الغصب للعقار منهم و قد

أنحلها رب الوری للعقار؟

غصب زمینهای آن حضرت چه شد، با اینکه پروردگار جهانیان آن زمینها را به او بخشیده بود؟

ما دفنها باللیل سرا و ما

نبش الثری منهم عنادا چهار؟

«دفن آن حضرت چه شد که بطور مخفیانه و شبانه بود و چه شد که آنان اقدام به نبش قبر آن حضرت بطور

آشکار نمودند؟»

تعسا لهم فی ابنة ما رعوا

نبیهم و قد رعاهم مرار [۳۱].

«مرگ بر آنان، در مورد دختری که پیمبرشان را در مورد او رعایت نکردند با اینکه آن حضرت بارها رعایت حال

آنان را نمود.»

در پایان این نوشتار چشم امید به عنایات آن بی بی مظلومه داشته و از ایشان عاجزانه خواهانیم که با دعاء در

تعجیل ظهور فرزند و منتقم حقیقی اش حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سر بر کوی

مخفی اش گذاریم. (انشاء الله)

سرمایه‌ی محبت زهراست دین من

من دین خویش را به دو دنیا نمی‌دهم

گر مهر و ماه را به دو دستم نهد قضا

یک ذره از محبت زهرا نمی‌دهم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علیک یا ایتها الصدیقه الشهیده

محتاج عنایات فاطمی

صادق داوری دولت آبادی

جمادی الاولی / ۱۴۲۰ ه. ق.

- [۱] عبارات فوق القاب حضرت زهرا (علیها السلام) می باشد.
- [۲] کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱ / بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹.
- [۳] بحار الانوار، ۱۰۵، ۴۳، ح ۱۸ / امالی شیخ طوسی، ص ۶۶۸، ح ۶، مجلس ۳۶.
- [۴] فقال الامین جبرائیل: یا رب و من تحت الکساء فقال عزوجل هم اهل بیت النبوة و معدن الرسالة هم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها (حدیث کساء).
- [۵] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۸۵.
- [۶] قال الصادق (علیه السلام): انا انزلناه فی لیلۃ القدر، اللیلۃ، فاطمه و القدر، الله فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك لیلۃ القدر و انما سمیت فاطمة لان الخلق فطموا عن معرفتها، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵ / تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، ص ۵۸۱.
- [۷] فضائل ابن شاذان، صص ۸۰ - ۸۲.
- [۸] یا احمد! لو لاک لما خلقت الافلاک و لو لا علی لما خلقتک و لو لا فاطمة لما خلقتکما / ملتقى البحرين، ص ۱۴.
- [۹] سروده‌ی فاضل محترم شیخ حسن دمستانی.
- [۱۰] فاطمة بهجة قلب المصطفى (صلى الله عليه و آله)، ص ۸.
- [۱۱] صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۶، باب فضائل.

[۱۲] تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹.

[۱۳] جنۃ العاصمۃ، ص ۱۵۲ / مرحوم علامه میر جهانی.

[۱۴] صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۶، باب فضائل / علل الشرایع، باب ۱۴۸، ص ۱۸۷.

[۱۵] احزاب، ۳۳.

[۱۶] مفضل گوید، به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم درباره‌ی آیه شریفه: و اذا الموءودة سئلت. بأی ذنب

قتلت (تکویر، ۸ و ۹ چه می‌فرمائید؟ حضرت فرمود: ای مفضل بخدا سوگند که «موؤده» کودک در خاک پنهان

شده، محسن است زیرا او از ما می‌باشد این است معنی «موؤده» و غیر از این نیست، و هر کس غیر از این بگوید

او را تکذیب کنید. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۳.

[۱۷] جنۃ العاصمۃ، ص ۲۵۱.

[۱۸] دلائل الامامۃ طبری، ص ۲۴۲.

[۱۹] اهل البيت، توفیق ابوعلم، ص ۱۶۵.

[۲۰] جنۃ العاصمۃ؛ ص ۳۳۹.

[۲۱] فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۲۷.

[۲۲] الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۷.

[۲۳] الامامۃ و السیاسة، ج ۱، ص ۱۲.

[۲۴] جنۃ العاصمۃ، ص ۲۵۱.

[۲۵] اعراف، ۱۵۰.

[۲۶] الامامۃ و السیاسة، ج ۱، صص ۱۹ - ۲۰.



[۲۷] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹.

[۲۸] فاطمة بهجة قلب المصطفى (صلى الله عليه وآله)، ص ۸۳.

[۲۹] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۳۵ / بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۱۳، ۲۰۴، ۱۸۴.

[۳۰] رجوع شود به کتاب: فاطمة بهجة قلب المصطفى (صلى الله عليه وآله)، ص ۸۳۰.

[۳۱] اثر طبع خطیب بزرگورا سید صالح حلی نقل از شعراء الحسين (عليه السلام)، ص ۸۹ / فاطمة بهجة قلب

المصطفى (صلى الله عليه وآله)، ص ۸۶۷.

## صلوات بر حضرت فاطمه زهرا

(منقول از امام حسن عسکری)

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على الصديقة فاطمة الزكية حبيبة حبيبك و نبيك و ام احبائك و اصفياك التي انتجبتها و فضلتها و اخترتها على نساء العالمين اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها و استخف بحقها و كن الثائر الله بدم اولادها اللهم و كما جعلتها ام ائمة الهدى و حليمة صاحب اللواء و الكريمة عند الملاء الاعلى فصل عليها و على امها صلوة تكرم بها وجه ابیها محمد صلى الله عليه و اله و تقر بها اعین ذریتها و ابلاغهم عنی فی هذه الساعة افضل التحية و السلام. خدایا درود بفرست بر بانوی صدیقه، فاطمه ی پاکیزه صالحه، که اوست حبیبه ی تو و پیامبرت (رسول خدا صلی الله علیه و آله) و مادر اولیاء، و برگزیدگان تو (امامان معصوم علیهم السلام) آن بانویی که برگزیده ای و برتری داده ای و انتخاب کرده ای او را بر زنهای جهانیان، خدایا تو داد او را از ستمگرانش بستان و از کسانی که حق او را سبک شمردند بازخواست نما، و خونخواه خون فرزندان او باش. خدایا همچنانکه او را مادر امامان هدایت و همسر

صاحب لواء (علیه علیه السلام)، و بزرگوار در نزد ملاً اعلی (ملائکة الله) مقرر داشتی، پس درود بفرست بر او و بر  
مادرش (خدیجه کبری) آن درود و صلواتی که بوسیله ی آن کرامت و آبروی افزون دهی پدرش حضرت محمد  
صلی الله علیه و آله را و آن درود و صلواتی که روشن گردانی چشمهای ذریه او را، و برسان به آنان از طرف من در  
این وقت بهترین تحیت و سلام را.